

گفت و گو با علی صدرايي، باستان‌شناس درباره مدرکی تازه که به دنبال کشف نشانه های حضور انسان عهدباستان در پناهگاه صخره ای سنگ سیاه خلیج است

مشهد نیم میلیون ساله!



هادی دقیقاً پیشینه کاوش‌ها و بررسی‌های علمی باستان‌شناسی مربوط به عصر پارینه‌سنگی در خراسان چندان زیاد نیست. با این حال، تلاش برخی باستان‌شناسان در همین چند سال گذشته به کشف استقرارهای موقت و دست‌افزارهای سنگی بیشتر انجامیده است. بخش بزرگی از پژوهش‌های علمی این مسیر مدیون حوضه کشف‌رود است. با همه این‌ها، حوزه پارینه‌سنگی در شرق ایران فقط به همین منطقه ختم نمی‌شود. علی صدرايي، مدرس گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربت حیدریه، چند سالی است که سفت‌وسخت پای کار

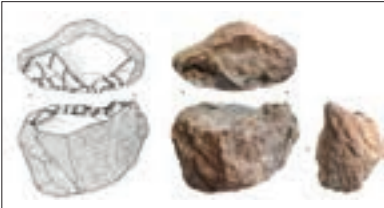
گفت‌وگو

● چرا پارینه‌سنگی مشهد مهم است و سابقه پژوهش‌ها در این حوزه چقدر است؟
هنگامی که ما با موجودیت تاریخی شهرها روبه‌رو می‌شویم، عموماً سعی می‌کنیم سابقه حضور انسان در آن‌ها را تا عصری به عقب برانیم که به‌اصطلاح دوره‌روستان‌نشینی نامیده می‌شودوآن دوره را هم زمان با نخستین یکجانشینی در منطقه قلمداد می‌کنند. به راستی می‌شود این گزاره را قابل اتکا دانست؟ به بیانی دیگر، آیا می‌شود برای شهر مشهد تاریخی فقط به اندازه چندین هزار سال متصور بود؟ با نگاهی به دشت مشهد می‌توان حضور انسان در مجاورت این شهر را بر مبنای مدارک باستان‌شناسی دوران یکجانشینی، به بازه‌های حدود هزاره ششم قبل از میلاد به عقب برد. با وجود این، مدارکی که در سال‌های ۱۹۷۵ و ۲۰۰۸ میلادی در حاشیه کشف‌رود شناسایی شده بود، یادآوری می‌کرد که ممکن است شواهدی از عصر شکار در حاشیه و نزدیکی این شهر وجود داشته باشد، مدارکی که تاکنون از دید ما پنهان مانده بود. در سال ۱۴۰۲ با حمایت اداره کل میراث فرهنگی خراسان رضوی و سازمان یونسکو، پروژه بررسی پارینه‌سنگی دشت مشهد کلید خورد که در خلال آن در بیش از ۲۰ نقطه از این دشت شواهدی از دوره پارینه‌سنگی به دست آمد که دوره‌های پارینه‌سنگی قدیم، میانی، جدید و فراپارینه‌سنگی را در بر می‌گرفت.

● از کشف محوطه پارینه‌سنگی خلیج بگوئید؛ محوطه‌ای که زمستان ۱۴۰۳ آن را ثبت ملی کردید و حالا بخشی از میراث ملی ماست. پناهگاه صخره‌ای خلیج چه ظرفیتی دارد که می‌تواند به تاریخ پارینه‌سنگی خراسان کمک کند؟
پناهگاه صخره‌ای سنگ سیاه خلیج را می‌توان یکی از شواهد مهم دوره پارینه‌سنگی در حاشیه شهر مشهد قلمداد کرد که نخستین مدارک از حضور انسان ریخت‌های عصر پارینه‌سنگی در شهر مشهد به شمار می‌رود. این مدارک که در قالب مجموعه دست‌افزارهای سنگی شناسایی شده است، به ما این امکان را می‌دهند که بتوانیم دیرینگی این یافته‌ها را تخمین بزنیم و تصویری هرچند محدود از الگوی ابزار و شکار این گروه‌های انسانی به دست بیاوریم. این مدارک همچنین دیرینگی حضور انسان را دست‌کم تا

حوزه پارینه‌سنگی خراسان است؛ از دشت‌های شمال خراسان تا جنوب آن و حتی نقطه صفر مرزی سرخس، پر از آثار انسان نخستین است که صدرايي بخشی از آن‌ها را کشف و تاریخ برخی را تسناروشن کرده است. شماری از دست‌افزارهای سنگی به دست آمده از این محوطه‌ها، حاصل پژوهش‌های چندساله اوست و هم‌اکنون در موزه بزرگ خراسان در کوه‌سنگی پیش چشم بازدیدکنندگان قرار دارد. صدرايي به تازگی در کشفی جالب و کاملاً اتفاقی در مسیر کوهنوردی به ابزارهای سنگی در جاده خلیج دست یافته است. او محوطه‌ای بزرگ در سنگ سیاه خلیج کشف کرده که به گفته

خودش شواهدی از دست‌افزارهای سنگی انسان نخستین دارد. موقعیت سنگ سیاه هم دیدنی است و امروز برخی کوهنوردان برای تماشای چشم‌انداز مشهد به آنجا می‌روند. حالا انسان نخستینی را تصور کنید که همین چشم‌انداز را به دشتی بکر داشته است؛ دشتی که چندین هزار سال بعد، آن را مشهد نامیدیم. به این چشم‌انداز رودی را اضافه کنید که از جلو پایش از کوه‌های خلیج سرازیر می‌شده و به دشت مشهد می‌رسیده است. صحبت از چند هزار سال پیش نیست؛ حرف چند صد هزار سال قبل است. گفتن از چنین موضوعی ساده است. اما درک موقعیت انسان در پای کوه خلیج و رسیدن به شکل و فضای



زندگی‌اش، کاری علمی می‌طلبید. علی صدرايي مدتی است برای آماده‌سازی مقدمات کاوش باستان‌شناسی در این منطقه تلاش می‌کند. پیش از این، این محوطه باستانی در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده بود. ثمره بررسی‌های اولیه منطقه هم او را به کشفی بزرگ رسانده است؛ کشفی که به گفته صدرايي می‌تواند تاریخ حضور انسان در دشت مشهد را به عقب‌تر از آنچه تاکنون کشف شده، ببرد. به همین مناسبت با او هم‌کلام شدیم تا هم از اهمیت پناهگاه صخره‌ای خلیج برای ما بگوید. هم ما صدای او را ستر به گوش تاریخ‌دوستان ایران برسانیم.

در باستان‌شناسی آن را در گروه غارها طبقه‌بندی کنیم. از طرفی اگر عرض دهانه آن از عمق آن بیشتر باشد، ما آن را پناهگاه در نظر می‌گیریم. یکی از مزیت‌های مهم غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای ضریب بقای مواد باستان‌شناسی در این محوطه هاست که نسبت به محوطه‌های روباز به شکل چشمگیری بیشتر است. در حالی که محوطه‌های روباز عموماً گرفتار فرسایش، جابه‌جایی و تخریب جدی هستند، این دست محوطه‌ها تا حد زیادی نهشته‌های نسبتاً برجا [آثار که در محل اصلی‌شان قرار دارند و تاکنون جابه‌جا نشده‌اند] را در خود حفظ کرده‌اند. این موضوع می‌تواند به باستان‌شناسان کمک کند تا تصویری دقیق‌تر از فعالیت‌های انسانی انجام‌شده در آن استقرار به دست بیاورند.

باز به نیم میلیون سال قبل به عقب می‌برد و می‌تواند درک ما از حضور انسان در این کلان‌شهر را متحول کند. اهمیت این یافته‌ها در کنار نزدیکی سنگ سیاه به شهر مشهد، ظرفیت‌های گردشگری آن راهم دوچندان می‌سازد و می‌تواند فرصتی استثنایی برای واکاوی سرگذشت انسان در این بخش از فلات ایران ارائه کند.

● چرا عنوان پناهگاه صخره‌ای به آن داده‌اند؟ تفاوت پناهگاه صخره‌ای با محوطه‌های پارینه‌سنگی روباز مثل حاشیه کشف‌رود چیست؟
پرسش خیلی خوبی است. اجازه دهید به واسطه این پرسش به یک کلیشه شکل گرفته در ذهن مخاطب عام تاریخ بپردازم. به شکل کلی وقتی



انسان عصر پارینه‌سنگی سخن گفته می‌شود، غالباً گروهی انسان با کمترین هوش و مهارت به ذهن اغلب ما می‌رسند که در دهانه یک غار زندگی می‌کردند، روزها به شکار می‌رفتند و شب‌ها در کنار آتش حلقه می‌زدند و هر از گاهی نقوشی روی دیواره غارها حکاکی می‌کردند. این در حالی است که بر مبنای مطالعات قوم‌نگاری و باستان‌شناسی می‌دانیم که این تصویر به شدت ساده‌سازی شده است.

بسیاری از این گروه‌ها در بدترین اوضاع اقلیمی دوام آورده و برای چند صد هزار سال در دوره‌های یخ‌بندان به زیست خود ادامه داده‌اند که این امر موهون هوش فردی و اجتماعی قوی این گروه‌های انسانی است؛ موجودی که به شدت به گروه متکی بوده و در اقلیم‌ها و جغرافیای متنوع دوام آورده است. در این میان، غارها فقط مأمّن آن‌ها نبوده‌اند و پناهگاه‌های صخره‌ای و محوطه‌های روباز از دیگر شکل‌های استقراری هستند که این گروه‌ها از آن‌ها استفاده می‌کرده‌اند. تفاوت عمده پناهگاه صخره‌ای با غار را می‌شود از عمق آن جست‌وجو کرد. به عبارتی دیگر فارغ از نوع شکل‌گیری غار (کارست یا کنگلومرا و...)، اگر عمق این فضا از عرض دهانه بیشتر باشد، ما می‌توانیم



قتل دهبان به حبس ابد و از جهت داشتن اسلحه بدون جواز به یک سال حبس تأدیبی و از جهت تهدید به قتل به پانزده روز حبس تأدیبی محکوم نمود که مطابق قانون کیفری اشد مجازات یعنی حبس ابد درباره او اجرا خواهد شد.»

روزنامه آزادی در دهه ۳۰ از یک دادگاه جنایی عجیب در مشهد می نویسد

حبس ابد برای قاتل ۸۰ ساله

به حبس ابد محکوم می‌کند. پیرمردی که دهبان روستا را به جرمی نامعلوم کشته است. نکته جالب دیگر درباره محکوم مورد نظر این است که او سن خود را بیشتر از هشتاد سال اعلام می‌کند در نتیجه دادگاه پیش از صدور حکم نهایی، دستور می‌دهد معاینات پزشکی برای تعیین سن دقیقش صورت بگیرد. روزنامه آزادی می‌نویسد: «محمدعلی فرزند قاسم شهرت هریوندی اهل هریوند بیرجند، هشتاد ساله در دادگاه جنایی محکوم به حبس ابد گردید. محمدعلی که خود را در دادگاه ۱۲۰ساله معرفی کرده است و در نتیجه امتحانات پزشکی هشتادساله

گفت و گو با علی صدرايي، باستان‌شناس درباره مدرکی تازه که به دنبال کشف نشانه های حضور انسان عهدباستان در پناهگاه صخره ای سنگ سیاه خلیج است

سند نوشت

۶۷سال پیش نخستین خبر درباره شیوع بیماری‌های آمیزی منتشر شد

زخمی که جنگ جهانی دوم به مشهد زد



تصویر و سندی از معاینه پیشه‌وران توسط شهرداری مشهد

بسطامی | بیماری‌های آمیزی از دیرباز همراه جوامع بشری بوده‌اند، اما برخورد انسان در ابتدا با آن‌ها بیشتر بر پایه شرم، انکار و انگ اجتماعی شکل گرفته تا بر پایه علم و پیشگیری. برای نمونه سیفلیس در اواخر سده پانزدهم در اروپا شیوع پیدا کرد و به سرعت به یکی از مخرب‌ترین بیماری‌های همه‌گیر تبدیل شد. سوزاک نیز قرن‌ها شناخته شده بود، البته تا پیش از کشف میکروب‌ها در سده نوزدهم، علت این بیماری‌ها ناشناخته بود و درمان‌ها اغلب بی‌اثر یا زیان‌بار، مانند مصرف جیوه، به شمار می‌رفتند. نخستین گزارش رسمی از بیماری ایدز هم در ۵ ژوئن ۱۹۸۱میلادی (۲۵ سال پیش) منتشر شد؛ زمانی که مرکز کنترل بیماری‌های آمریکا، ابتلای پنج مرد جوان در لس آنجلس به نوع نادری از سینه‌پهلو را گزارش کرد. پس از کشف ویروس HIV، کشورها کم‌کم به این واقعیت رسیدند که سرکوب و سکوت کارساز نیست و باید کاری کرد؛ از این‌رو اجرای آگاهی‌بخشی و درمان‌های رایگان منطقه به منطقه به عنوان نخستین راهکار پیشنهاد شد.

این مشکلات در ایران نیز صدق می‌کرد، در دوره قاجار، سیفلیس و سوزاک شیوع درخور توجهی داشتند؛ به ویژه در شهرهای بزرگ و میان سربازان. با تأسیس دانشگاه تهران و دانشکده پزشکی در سال ۱۳۱۲، نسل جدیدی از پزشکان آموزش دیدند و آگاهی علمی درباره این بیماری‌ها افزایش پیدا کرد. در پی آن، کلینیک‌هایی برای درمان رایگان بیماری‌های آمیزی تأسیس شد، اما پوشش آن‌ها محدود و بیشتر شهری بود. آموزش عمومی در سطح گسترده انجام نشد و ترجیح غالب این بود که این موضوع به دلیل قبح فرهنگی و دینی آن، وارد گفت‌وگوی عمومی نشود.

پس از جنگ جهانی دوم و ورود گسترده بنی‌سلیبن، درمان سیفلیس و سوزاک به‌طور چشمگیری بهبود و برنامه‌های مبارزه با بیماری‌ها زیر نظر وزارت بهداشت گسترش یافت. در ادامه هم بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های ویژه‌ای برای این بیماری‌ها فعال شدند. اما‌های آن دوره حاکی از شیوع نسبتاً بالای سیفلیس در برخی مناطق ایران دارد. از این رو، در سال ۱۳۲۶ نخستین قانون مربوط به کنترل بیماری‌های آمیزی تصویب شد که معاینه پیش از ازدواج را الزامی می‌کرد؛ اقدامی که در آن زمان در بسیاری از کشورهای دیگر نیز رایج بود.

این سطرها را در کنار این توضیح قرار دهید که ۲۶ مرداد ۱۳۲۸ نخستین خبر درباره مبارزه با بیماری‌های آمیزی در مشهد، در روزنامه «آفتاب شرق» منتشر شده است که اطلاعات عجیبی دارد. در بخشی از این خبر ناگفته‌هایی آمده که نشان می‌دهد سایه شوم جنگ جهانی دوم و تبعات آن، پس از گذشت سیزده سال، همچنان بر سر مشهد سنگینی می‌کرده است. خبرنگار این روزنامه که گویا آن روز به مرکز مبارزه با بیماری‌های آمیزی مراجعه کرده بود (بدون اشاره به محل دقیق آن)، در خط نخست چنین می‌نویسد: «در دو سال گذشته قریب ۲ هزار نفر زن و مرد مبتلا به بیماری‌های آمیزی در مرکز مبارزه با بیماری‌های آمیزی تحت معالجه قرار گرفته‌اند که دو ثلث از مبتلایان مرد و بقیه زن بوده‌اند. آزمایش خون قبل از ازدواج یکی از کارهای مفیدی است که در این مرکز بهداشتی به رایگان انجام می‌شود.»

قسمت دردناک ماجرا در این است که خبرنگار توضیح می‌دهد بیماری در برخی مبتلایان آن قدر کهنه است که می‌توان برای دوره بیماری آنان، بازه زمانی ۱۰ تا ۱۵ سال را ذکر کرد. در میان بیماران، هم مرد و هم زن دیده می‌شوند. در کنار این‌ها، بیمارانی که از طریق روابط نامشروع روزانه مبتلا شده‌اند نیز کم نیستند؛ «یکی از پزشکان به خبرنگار ما گفت، چون در موارد زیادی ابتلا دوشیزگان به بیماری‌های آمیزی از طریق تماس‌های روزانه دیده شده، شایسته است که از دختران نیز در این محل توسط خانم‌های قابله و سرویس‌هایی که توسط پزشکان زن اداره می‌شود، معاینه و آزمایش خون به عمل آید.»

برابر این خبر، گویا شهرداری نیز به این موضوع ورود کرده و همه اصناف، به ویژه مهمان‌خانه‌داران را مجبور به تهیه کارت بهداشت کرده است؛ «به درخواست مرکز مبارزه با بیماری‌های آمیزی، شهرداری مشهد به صاحبان مغازه‌ها و مهمان‌خانه‌داران دستور داده است که کلیه فروشندگان و مستخدمان خود را برای تهیه برگ بهداشتی به مرکز مبارزه با بیماری‌های آمیزی معرفی نمایند.» در ادامه این خبر هم آمده است که: «طی اعلامیه و آگهی‌های فراوان از عموم افراد تقاضا شده تا برای حفظ جان خود و خانواده‌شان، در صورتی که احساس ابتلا

به امراض آمیزی کردند، بی‌درنگ خود را به مرکز مبارزه با بیماری‌های آمیزی معرفی کنند تا بلافاصله آزمایش خون از آنان به عمل آید و در صورت تشخیص بیماری، با وسایل جدید به معالجه آن اقدام شود. ناگفته‌نماند که در مرکز مبارزه با بیماری‌های آمیزی دو نفر از پزشکان مجرب مشهد خدمت می‌کنند که علاوه بر اطباء، قابله‌ها و پزشکیاران ورزیده مرکز، در تمام ساعات به خدمت مشغول هستند. معالجه و آزمایش خون در تمام سرویس‌های مرکز مبارزه با بیماری‌های آمیزی مجاناً انجام می‌گیرد.»

تاریخ نگار

سفالینه‌های موزه فردوسی



اردلان | موزه آرامگاه فردوسی یکی از موزه‌های مشهد است که به وسیله هوشنگ سیحون، پدر معماری نوین ایران، سنگ و ستون خورده است. این موزه به چهار بخش متفاوت تقسیم می‌شود که در یکی از بخش‌های آن می‌توان اشیای مرتبط و آثار به دست آمده از توس و روزگار فردوسی از جمله ظروف سفالی، سکه، تیر و کمان و اشیایی با مضامینی چون آثار سنگی دوران پیش از تاریخ مکشوفه از دشت توس و اطراف کشف‌رود را تماشا کرد.

شکار

اشنبه

۱۵



تاریخ و هویت